

متبرک باد این شکست

تیتري که برای این مطلب انتخاب شده است برگرفته از یکی از نوشته های استاد عزیز ابراهيم افشار است که اگر اشتباه نکنم در سال 72 برای یک مطلب در ارتباط با شکست تیم ملی فوتبال استفاده کرده بود و امروز در سال 95 با سقوط تیم شهرداری به لیگ دسته دوم بعد از دو فصل حضور در لیگ یک می توان گفت که متبرک باد این شکست و این سقوط.....

متبرک باد این شکست هر چند که عده ای شعار چه یکی چه دویی، شهرداری خاطرخواهیم را سر دهند. متبرک باد ناسزاهایی که برخی از تماشاگرها در طول فصل و در بعضی از دیدارها سر دادند و داورها را از آن ها بی نصیب نکردند.

متبرک باد این شکست که حیا کن رها کن هایی که فضای ورزشگاه را به لرزه در می آورد موجبات تعویض های پی در پی سرمربیان را فراهم می ساخت و تیم ما هر چند که به دسته دوم مسافرت نمود ولی در تاریخ لیگ یک رکوردی جالب و ماندنی تعویض تعداد سرمربی در یک فصل را به نام خود ثبت نمود.

متبرک باد سرگردانی و بلاتکلیفی تماشاگران در میان عدم توافق هیات فوتبال استان و باشگاه شهرداری مبنی بر حضور رایگان تماشاگران در ورزشگاه.

متبرک باد همکاری های صمیمانه ، عاشقانه ، مثال زدنی، ماندنی و بی نظیر هیات فوتبال استان با عوامل باشگاه در ارتباط با هر چه بهتر برگزار شدن دیدارهای خانگی و جلب رضایت تماشاگران.

متبرک باد حمایت همه جانبه اعضای شورای شهر بدون داشتن نگاهی منفی و غرض ورزانه به هزینه های انجام یافته و متبرک باد حمایت مسئولین استان از تیم برای اینکه بتوانند مسیر رفته را به آسانی و بدون دغدغه بپیمایند.

متبرک باد اقدام سر مربیانی که با هزار سلام و صلوات آمدند و بر روی نیمکت داغ، متزلزل و بی وفای تیم نشستند و در نهایت کارشان به جایی رسید که فرار را بر قرار ترجیح دادند و پشت سر خود را حتی برای یک لحظه کوتاه هم تماشا نکردند.

متبرک باد نام و یاد بازیکنانی که در نیم فصل از اردبیل کوچ کردند و بدون تحمل کوچکترین زحمتی تهران را به اردبیل ترجیح دادند و متبرک باد یاد یارانی که به جای رفته ها جذب کردیم و بعضی هایشان به درمان خورد و پول دادیم و بهره نبردیم.

متبرک باد بازیکن سالاری حاکم بر تیم و اصرار بر حضور برخی ها علیرغم ضعف ها و کم کاری ها و متبرک باد بلا و آسیبی که از این راه بر تیم وارد و کمر آن شکسته شد.

متبرک باد گل های ابتدایی و دبستانی که گلرهای ما خوردند و سیر نشدند. گل هایی که در فصل گذشته در کرمان نوش جان کردیم و گلی که این اواخر در ورزشگاه قدس در دروازه ما روئید. این گل ، هیچوقت طراوت و تازگی خود را در ذهن تماشاگران اردبیلی از دست نخواهد داد و صحنه آن پیوست نام شهرداری و تیم پیکان در ذهن علاقه مندان فوتبال به بایگانی سپرده خواهد شد.

متبرک باد نام و یاد کسانی که همزمان با قبول مسئولیت در تیم با فوتبال آشنا شدند و رفته رفته به یک طرفدار دواآتشه و عاشق سینه چاک فوتبال تبدیل شدند و برای آن از جان مایه گذاشتند.

متبرک باد کسانی که جز خود و اطرافیان، اعتماد به دیگران ندارند و اندیشه خود را بکر، فکرشان را جوشان، احساساتشان را فوران، قدرت خود را بیکران، علم شان را بی نظیر و خودشان را علامه دهر می دانند و هر منتقدی را خائن، مغرض و کج اندیش به حساب می آورند.

و متبرک باد این شکست..... این سقوط متبرک باد همه شکست ها.... و بالاخره متبرک باد آینده.... که بازندگان را بت نمی کنندجانم.